

## نقش خانواده در ارتقاء سطح فرهنگ

صدیقه سادات میرزاپور آلهاشم

عضو علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور

[ss\\_mirzapour@yahoo.com](mailto:ss_mirzapour@yahoo.com)

### چکیده

بی‌تردید فرهنگ با وجود گستره‌ی معنایی وسیعی که دارد شامل کلیه‌ی عادات، رسوم، باورها، اخلاقیات و عواملی که در آن مؤثرند می‌شود از جمله: زبان، ادبیات، هنر با تمام ابعادش، باورها و حتی اندیشه‌های سیاسی و دینی. از طرفی خانواده نیز به عنوان کوچکترین نهاد جامعه می‌تواند بر ارتقاء یا تنزل فرهنگ جامعه اثر گذاشته و خود نیز از فرهنگ حاکم بر جامعه اثر می‌پذیرد. در این تحقیق تلاش شده با روش توصیفی و تحلیلی نقش خانواده در بهبود و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه‌ی ایران واکاوی شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، خانواده، ایران

### مقدمه

اگرچه به دلیل ارائه‌ی تعاریف مختلف از فرهنگ، میان صاحب نظران اتفاق نظری وجود ندارد؛ اما همچنان از طریق فرهنگ است که می‌توانیم نسبت به نسل‌های پیشین آگاه شویم و این آموخته‌ها ی فرهنگی را به یکدیگر و به نسل‌های بعد انتقال دهیم. اولین بار ادوارد بارنت تایلر، مردم شناس انگلیسی زبان اصطلاح فرهنگ را در سال ۱۸۷۱ میلادی در کتابی به نام فرهنگ ابتدایی به کار گرفت و نوشت: "فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که شامل معارف، باورها، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضوی از جامعه از همان جامعه فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد.

اگرچه فرهنگی که مردم شناس از آن سخن می‌گوید با فرهنگی که مدنظر فیلسوف یا هنرمند است به ظاهر تفاوت دارد ولی با توجه به همه‌ی تعاریف هم سو یا متفاوت می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها و گرایش‌ها و رفتارهای مادی و معنوی افراد یک جامعه دانست که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. پس با چنین تعریفی روشن می‌شود که مهم‌ترین ویژگیهای فرهنگ عبارتند از: اکتسابی بودن، رابطه‌ی درونی اجزاء فرهنگ، تداوم و تحرک و پویایی و عمق و پایداری.

خانواده کوچکترین اجتماع در هر جامعه است که می‌تواند بر شکوفایی یا افول فرهنگ جامعه اثر گذارد و خود نیز از فرهنگ جامعه اثر پذیرد. به تعبیر امام خمینی "فرهنگ مبدأ مهمّ خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ایران، ج ۳، ص ۳۰۶